

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه فلسفه

پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد

تحلیل و مقایسه دو نظریه «نفس الامر» و «صادق‌ساز» ذیل نظریه مطابقت در باب صدق

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر غلامرضا ذکیانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر داود حسینی

تهیه کننده:

بهناز باقری

شهریور ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: تحلیل و مقایسه دو نظریه «نفس الامر» و «صادق‌ساز» در ذیل نظریه مطابقت در باب صدق	
نویسنده/محقق: بهناز باقری	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر غلام‌رضا ذکیانی	استاد مشاور/ استاد داور: جناب آقای دکتر داود حسینی / جناب آقای دکتر محمدعلی حجتی
کتابنامه: دارد	واژه‌نامه: ندارد
نوع پایان‌نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۰-۸۹
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات: ۱۱۲	نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات: ۱۱۲	
گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: نظریه مطابقت صدق، نفس الامر، اصل صادق‌ساز	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:	
Correspondence theory of truth, the fact itself, truthmaker principle	
چکیده	
<p>محور اصلی این رساله بررسی دو مسأله است:</p> <p>ابتدا به بررسی تئوری مطابقت و سپس اشکالات آن پرداخته و آن‌گاه نظریات نفس‌الامر و صادق‌ساز (TM) را در پرتو تئوری مطابقت مورد بررسی قرار داده‌ام. سپس، پس از معرفی این دو نظریه، به بحث چگونگی صدق انواع گزاره‌های کلی، موجه و زمانی به واسطه‌ی این دو نظریه پرداخته‌ام و به انواع راه‌حلی‌هایی که این دو تئوری برای پشتیبانی صدق این گزاره‌ها آوردند، اشاره کرده‌ام و در نهایت ایده‌هایی برای مقایسه‌ی این دو نظریه آورده‌ام</p>	
<p>الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):</p> <p>انسان در مواجهه با خارج از خود به دو نوع اندیشه خطا و صحیح پی می‌برد. بنابراین نخستین پرسشی که عقل را به تامل و پاسخ وادار می‌کند آن است که تعریف صدق و کذب چیست. نظریه‌ی مطابقت، کهن‌ترین و جدی‌ترین تئوری‌ای است که در پاسخ به پرسش مزبور ارائه شده است.</p> <p>ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:</p> <p>بحث از نظریات صدق، بحثی است که همواره مورد توجه فیلسوفان بوده و به تبیین و تکمیل و حتی رد آن پرداخته‌اند. امروزه مباحث مرتبط با صدق روز به روز غنی‌تر می‌شود.</p>	

پرسش‌های تحقیق:

۱. مبانی و هدف نظریات نفس‌الامر و اصل صادق‌ساز (TM) چیست و به دنبال چه چیزی هستند؟

۲. آیا این دو نظریه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و می‌توان ایندو را مشابه هم دانست؟

فرضیه‌های تحقیق:

۱. هر دو نظریه از منظر هستی‌شناسی به بحث مطابق و محکی گزاره‌ها می‌پردازد و به دنبال مطابقی مناسب برای گزاره‌های مورد نظر است تا صدق انواع گزاره‌ها را ضروری کند.

۲. به نظر می‌رسد این دو تئوری را می‌توان مشابه یکدیگر دانست.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار

اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است و مفاهیم و تعاریف مهمی مانند: نظریه مطابقت صدق،

تاریخچه تئوری مطابقت، تئوری نفس‌الامر، چگونگی پشتیبانی تئوری نفس‌الامر از انواع گزاره‌ها، اصل صادق‌ساز،

چگونگی پشتیبانی اصل صادق‌ساز از انواع گزاره‌ها، مورد شرح و بررسی تفصیلی قرار گرفته شده‌اند.

ت. یافته‌های تحقیق:

یکم: نظریه نفس‌الامر سعی دارد صدق انواع گزاره‌ها را با وسعت دادن به امر واقع توضیح دهد اما گویا هر کدام از

راه‌حل‌ها دارای اشکالاتی است و یک تعریف کامل و جامعی از نفس‌الامر وجود ندارد که بتواند صدق انواع گزاره‌ها را

توضیح دهد. دوم: اصل صادق‌ساز در پرتو تئوری مطابقت سعی می‌کند تا صدق انواع گزاره‌ها را توضیح دهد اما گویا

این اصل هم قادر نیست چگونگی صدق انواع گزاره‌ها را کاملاً توضیح دهد. سوم: با کمی جرح و تعدیل به نظر می‌توان

مسیر و اهداف این دو نظریه را یکسان دانست.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

دامنه مباحث مربوط به حوزه تئوری‌های صدق از جمله تئوری مطابقت، امروزه بسیار گسترده است. و موضوعات

متنوع فراوانی در این ارتباط وجود دارد که می‌تواند مورد بررسی پژوهشگران قرار بگیرد. از جمله موضوعات پیشنهادی

به شرح ذیل است:

بررسی و مقایسه اصل صادق‌ساز و تئوری مطابقت، تاریخچه و منشأ شکل‌گیری اصل صادق‌ساز

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما: جناب آقای دکتر غلام‌رضا ذکیانی

سمت علمی: استادیار

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

رئیس کتابخانه:

تقدیم به پدر و مادر عزیزم؛

آنان که از خواسته‌هایشان گذشتند،

سختی‌ها را به جان خریدند

و خود را سپر بلای مشکلات و ناملایمات کردند

تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده‌ام، برسم.

تشکر و قدرانی:

ای هستی بخش که بر نعمات بی کرانت مرا توان شکر نیست، مدد کن تا دانش اندکم نه نردبانی باشد برای فزونی تکبر و غرور و نه حلقه‌ای برای اسارت و خودبینی‌ام، بلکه گامی باشد برای تجلیل از تو و متعالی ساختن زندگی خود و دیگران.

حال که توفیق جمع آوری و تهیه این مجموعه را یافته‌ام بر خود واجب می دانم از تمامی عزیزانی که در طی انجام این پژوهش از راهنمایی و یاری‌شان بهره‌مند گشته‌ام تشکر و قدردانی کنم و برای ایشان از درگاه پروردگار مهربان آرزوی سعادت و پیروزی نمایم.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی‌شائبه‌ی او، چیزی بنگاریم. با این وجود بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را نسبت به زحمات و راهنمایی‌های مناسب استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر غلامرضا ذکیانی و نیز رهنمودهای ارزنده استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر داود حسینی اظهار نمایم. در ادامه از داور محترم، جناب آقای دکتر سید محمدعلی حجتی که زحمت بازخوانی و داوری این مجموعه را به عهده داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

هم‌چنین از پدر و مادر بزرگوارم، همسر مهربانم و خواهران عزیزم که آرامش روحی و آسایش فکری فراهم نمودند تا با حمایت‌های همه‌جانبه‌شان مراتب تحصیلی و نیز پایان‌نامه درسی را به نحو خوبی به اتمام برسانم، کمال سپاسگزاری را دارم.

در نهایت از تمامی هم‌کلاسی‌های عزیزم که در طول این مدت افتخار مصاحبت با آن‌ها را داشتم، به پاس محبت‌های بی‌دریغ‌شان سپاسگزارم.

چکیده

محور اصلی این رساله بررسی دو مسأله است:

ابتدا به بررسی تئوری مطابقت و سپس اشکالات آن پرداخته و آنگاه نظریات نفس الامر و صادق‌ساز (TM) را در پرتو تئوری مطابقت مورد بررسی قرار داده‌ام. سپس، پس از معرفی این دو نظریه، به بحث چگونگی صدق انواع گزاره‌های سالبه، کلی، موجه و زمانی به واسطه‌ی این دو نظریه پرداخته‌ام و به انواع راه‌حلهایی که این دو تئوری برای پشتیبانی صدق این گزاره‌ها آوردند، اشاره کرده‌ام و در نهایت ایده‌هایی برای مقایسه‌ی این دو نظریه آورده‌ام.

کلمات کلیدی:

نظریه‌ی مطابقت صدق (correspondence theory of truth)، نفس الامر (the fact itself)، اصل

صادق‌ساز (truthmaker principle)

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
اهمیت و گستردگی مسأله‌ی صدق.....	۲
پیشینه‌ی تحقیق.....	۲
سوالات تحقیق.....	۳
فرضیه‌های تحقیق.....	۳
نگاهی به فصول رساله حاضر.....	۳
فصل اول: تاریخچه و تعریف نظریه مطابقت صدق.....	۵
۱-۱ تعریف صدق.....	۶
۲-۱ معرفی نظریه مطابقت و اشکالات وارد بر آن.....	۹
فصل دوم: نفس الامر و چگونگی پشتیبانی از گزاره‌های کلی، موجه، سالبه و زمانی.....	۱۷
مقدمه.....	۱۸
۱-۲ اقسام قضایا.....	۱۸
۲-۲ معرفی نظریه نفس الامر.....	۲۱
۱-۲-۲ شی به خودی خود.....	۲۲
۲-۲-۲ عقل فعال.....	۲۴
۳-۲-۲ مطلق ثبوت و تحقق.....	۲۶

۲-۳ چگونگی پشتیبانی نفس الامر از انواع گزاره‌ها..... ۲۷

۲-۳-۱ گزاره‌های کلی..... ۲۸

۲-۳-۲ گزاره‌های سالبه..... ۳۱

۲-۳-۳ گزاره‌های موجه..... ۳۴

۲-۳-۴ گزاره‌ی زمانی..... ۳۶

فصل سوم: اصل صادق ساز و چگونگی پشتیبانی از گزاره‌های صادق سالبه، کلی، موجه و

زمانی..... ۴۲

مقدمه..... ۴۳

۳-۱ معرفی اصل صادق سازی..... ۴۳

۳-۱-۱ ماهیت حامل صدق..... ۴۶

۳-۱-۲ ماهیت صادق ساز..... ۴۶

۳-۱-۳ اهداف تئوری TM..... ۴۷

۳-۱-۴ دلایل و انگیزه‌های تئوری TM..... ۴۸

۳-۱-۵ مقایسه تئوری مطابقت و TM..... ۴۹

۳-۱-۶ معرفی چند اصل و اصطلاح در ارتباط با TM..... ۵۰

۳-۱-۷ اشکالات وارد بر TM..... ۵۴

۲-۳ چگونگی پشتیبانی TM از انواع گزاره‌ها..... ۵۵

۵۵	۱-۲-۳ صادق سازگزاره‌های سالبه و کلی
۵۹	۱-۱-۲-۳ تمامیت وضع امور
۶۳	۲-۱-۲-۳ راه حل ماینونگی
۶۴	۳-۱-۲-۳ راه حل ناسازگاری
۶۷	۴-۱-۲-۳ فقدان
۷۶	۵-۱-۲-۳ صادق ساز حدافلی
۷۷	۲-۲-۳ گزاره‌های زمانی
۸۰	۱-۲-۲-۳ حال گرایان منکر TM
۸۳	۱-۲-۲-۳ حال گرایان حافظ TM
۸۸	۳-۲-۳ صادق سازگزاره‌های امکانی
۹۵	۴-۲-۳ صادق سازگزاره‌های ضروری
۱۰۲	نتیجه گیری
۱۰۵	منابع:

مقدمه

اهمیت و گستردگی مسأله‌ی صدق

انسان در مراحل نخستین زندگی، فرقی میان اندیشه و خارج نمی‌گذارد، ولی او همیشه نمی‌تواند در این پندار باقی بماند، بلکه به زودی متوجه خواهد شد که خارج غیر از ذهن است. ریشه‌ی این التفات، برخورد با خطاهاست. از اینجا برای انسان دو نوع اندیشه مطرح می‌شود: اندیشه‌ی صحیح و اندیشه‌ی خطا. بنابراین نخستین پرسشی که عقل را به تأمل و پاسخ وادار می‌کند این است که ملاک/ تعریف صدق و کذب چیست و اینکه چگونه می‌توان به صدق گزاره‌ها پی برد.

نظریه‌ی مطابقت، کهن‌ترین و جدی‌ترین نظریه‌ای است که در پاسخ به پرسش مزبور ارائه شده است. هرچند بنا بر اشکالاتی که بر این تئوری وارد شده، یا نظریات جایگزینی وارد میدان شده و یا تقریرهای متفاوتی از نظریه‌ی مطابقت ارائه شد.

در حوزه‌ی فیلسوفان مسلمان، آن‌ها با قبول نظریه‌ی مطابقت به تعدیل آن پرداخته‌اند و تئوری نفس‌الامر را مطرح کردند و در حوزه‌ی فیلسوفان غربی، عده‌ای نظریات جایگزین مثل سازگاری، عمل‌گرایی و... را ارائه دادند و عده‌ای با قبول مطابقت به جرح و تعدیل آن پرداخته‌اند که می‌توان به اصل صادق‌ساز (TM) اشاره کرد.

پیشینه‌ی تحقیق

تئوری مطابقت صدق کهن‌ترین بحث در باب صدق گزاره‌هاست. این نظریه از روزگار یونان باستان تا چند قرن اخیر، یگانه نظریه‌ی مطرح در این باره به شمار می‌آمد.

بعد از نقدهای جدی بر این نظریه، گروهی از فیلسوفان در راستای قبول نظریه مطابقت صدق به تعدیل و تکمیل آن پرداخته‌اند. در حوزه‌ی فیلسوفان مسلمان، نظریه‌ی نفس‌الامر و در حوزه‌ی

فیلسوفان غربی اصل TM در پرتو مطابقت مطرح شد. بحث نفس الامر از فارابی دنبال شد و تئوری TM از راسل و ویتگنشتاین نشأت گرفت.

سؤالات تحقیق

مبانی و هدف نظریات نفس الامر و TM چیست و به دنبال چه چیزی هستند؟

آیا این دو نظریه با یکدیگر هم پوشانی دارند و می توان ایندو را یک نظریه‌ی مشابه دانست؟

فرضیه‌های تحقیق

(۱) هر دو تئوری از منظر هستی‌شناسی، به بحث مطابق و محکی و واقع گزاره‌ها می‌پردازد و به دنبال مطابقی مناسب برای گزاره‌ی مورد نظر هستند تا صدق آن گزاره را ضروری کند. آن‌ها می‌خواهند در پرتو اصل مطابقت به توضیح چگونگی صدق انواع گزاره‌ها بپردازند.

(۲) به نظر می‌رسد که این دو نظریه می‌توانند هم پوشانی داشته باشند. گویا می‌توان ایندو را یک نظریه دانست.

نگاهی به فصول رساله حاضر

در فصل اول به بحثی کوتاه درباره‌ی تئوری مطابقت صدق و اشکالات وارد بر آن، پرداخته‌ام. در فصل دوم تئوری نفس الامر را معرفی کرده و تفاسیر متفاوت و البته مهم آن را ارائه داده‌ام و سپس به چگونگی پشتیبانی این نظریه از انواع گزاره‌های مذکور پرداخته‌ام. در فصل سوم اصل صادق‌ساز را معرفی کرده و سپس گزارش دادم که چطور فیلسوفان از این اصل برای توضیح صدق انواع گزاره‌ها بهره برده‌اند. و در قسمت پایانی به بررسی و مقایسه‌ی این دو نظریه و راه‌حل‌هایشان برای توضیح انواع گزاره‌ها پرداخته‌ام و توضیح داده‌ام که این دو تئوری هدف یکسانی را در پیش دارند و آن

چگونگی صدق انواع گزاره‌ها در پرتو مطابقت است اما روش‌ها و اصول متفاوتی را در این مسیر دنبال می‌کنند.

فصل اول:

تاریخچه و تعریف نظریه‌ی

مطابقت صدق

مقدمه:

در این فصل ابتدا به تعریف صدق و سپس نظریه‌ی مطابقت صدق پرداخته‌ام و توضیحاتی در باب اشکالات وارد بر نظریه‌ی مطابقت، آورده و در پایان به معرفی اجمالی از نظریات نفس‌الامر و TM پرداخته‌ام که در پی اشکالات وارد بر مطابقت مطرح شده است.

۱-۱ تعریف صدق

نکته مهمی که پیش از هر بحثی در باب صدق، باید به آن توجه کرد، تمایز میان تعریف صدق و معیار صدق است. برخی از معرفت‌شناسان تصریح کرده‌اند که تفکیک این دو مسأله، کار ساده‌ای نبوده و به بررسی دقیق نیاز دارد. با وجود این، دشواری کار نباید سبب شود که تمایز میان معنای صدق و معیار صدق را نادیده گرفته، از آن صرف نظر کنیم. گاهی می‌خواهیم بدانیم که مفهوم «صدق» چگونه مفهومی است، معنای آن چیست و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد. (ملاک ثبوتی) و گاه می‌خواهیم دریابیم که فلان قضیه در چه شرایطی صادق است؛ (ملاک اثباتی) به تعبیر دیگر، در پی این هستیم که وسیله یا ملاکی در اختیار داشته باشیم که با قطعیت بگوییم فلان چیز آیا صادق است یا کاذب. روشن است که اینها دو موضوع متفاوت و متمایزند. بحث ملاک اثباتی صدق به طور منطقی بر بحث از تعریف صدق و ملاک ثبوتی آن استوار است؛ به همین دلیل بحث از ملاک ثبوتی صدق از پایه‌های مسأله ارزش شناخت به شمار می‌آید. به تعبیر دقیق‌تر، می‌توان درباره مسأله صدق، سه نوع بحث کاملاً متفاوت و متمایز مطرح کرد: نخست: بیان معنای صدق؛ دوم، تبیین ملاک صدق (معیار ثبوتی)؛ سوم، بیان راه یا راه‌های کشف صدق (معیار یا معیارهای اثباتی). بحث ملاک

صدق، ناظر به مقام ثبوت است و بحث از راه کشف صدق، ناظر به مقام اثبات. در بحث ملاک صدق، محور بحث این است که ملاک واقعی اتصاف قضایا به صدق و کذب چیست، اعم از اینکه ما به آن معرفت داشته باشیم یا نه؛ به سخن دیگر، در مسأله ملاک صدق، بحث بر سر آن است که صرف نظر از وجود عالم و تحقق معرفت، ملاک واقعی صدق و کذب قضایا چیست. اما بحث از راه کشف صدق، بحثی اثباتی است؛ یعنی بحث در این باره است که راه معرفت ما به صدق یا کذب قضایا کدام است. بحث در این قسمت مربوط به راهی است که به وسیله آن می‌خواهیم وجود آن ملاک را کشف کنیم. (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۲۶-۳۰)

برای واژه صدق معانی متفاوت و حتی متعارضی ارائه داده‌اند. بی‌توجهی به معانی و کاربردهای مختلف این واژه باعث گرفتار آمدن در دام مغالطه اشتراک لفظی شده و ما را از مقصود دور می‌کند؛ به همین دلیل و به منظور فهم دقیق‌تر معنای مورد نظر، باید چند نکته را توضیح داد.

صدق و معقولیت: منظور از معقولیت یک باور یا قضیه، موجه بودن آن برای مدرک یا فاعل شناسا است، و مراد از صدق یک قضیه نیز مطابقت آن با واقع است. ممکن است این‌گونه تصور شود که معقولیت، فرع بر صدق و نامعقولیت، پیامد کاذب است؛ اما چنین نیست. و تلازمی میان معقولیت و یا عدم معقولیت و کاذب بودن نیست. (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

صدق و حق: صدق و حق در یک معنا، ذاتاً وصف قضیه واقع می‌شوند؛ با این تفاوت که «صدق» وصف قضیه است به اعتبار مطابقت آن با واقع و «حق»، وصف قضیه است به اعتبار مطابقت واقع با آن (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۴۸) بنابراین تفاوت آن‌ها به اعتبار و لحاظ اعتبارکننده است.

صدق خبری و مخبری: صدق گاهی وصف شخص و گوینده‌ی سخن قرار می‌گیرد که به آن صدق مخبری می‌گویند و گاه وصف قضیه و سخن گفته می‌شود، صرف نظر از گوینده‌ی آن که به

آن صدق خبری می‌گویند. صدق خبری وابسته به واقع است؛ برخلاف صدق مخبری که از طریق گوینده با واقع مرتبط است.

صدق رئالیستی و معرفتی: برخی از معرفت‌شناسان، صدق و کذب قضیه را امری درون قضیه‌ای

دانسته و با بررسی و تحلیل خود قضایا و چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر سعی می‌کنند که به ملاک صدق و کذب آن‌ها دست بیابند. اما صدق رئالیستی به این معنا است که صدق و کذب قضیه، وابسته به بیرون از قضیه بوده و به واقعیت‌ها بستگی دارد.

ارزش شناخت که مشتمل بر ملاک تمییز حقایق از اوهام و شناخت حقیقی از خطایی هست از شاخه‌های مهم شناخت‌شناسی است. پیشینه‌ی آن از زمانی است که انسان به کشف خطای پاره‌ای از اندیشه‌های خود دست یافت و یا اختلاف‌های عالمان را مشاهده کرد به همین جهت معرفت‌شناسان درصدد یافتن ضابطه و معیاری برای توانایی تشخیص حقایق از اوهام برآمدند ولی قبل از پی‌جویی از معیار شناخت، تعریف صدق و کذب یا شناخت حقیقی و شناخت خطائی ضرورت دارد. بنابراین نباید بین معیار (criterion) صدق و تعریف (definition) صدق خلط کرد. (خسرو پناه، ۱۳۷۹، ص ۵۲) صدق از نوع «صفت» است نه «نسبت»؛ یعنی محمولی تک موضعی است که از نظر دستوری، وصف جمله واقع می‌شود. بر این اساس، معنی اینکه آن جمله صادق است، نه این است که آن جمله با واقع مطابق است؛ زیرا صادق از نوع کلمات دال بر نسبت نیست و بر هیچ چیز دیگری که باید با آن مطابق باشد دلالت ندارد. (فرگه، ۱۳۷۴، ص ۸۹) بلکه به این معنی است که آن جمله وضعیتی را از جهان کنونی ترسیم می‌کند که در صورت صادق بودن آن جمله، آن وضعیت با آنچه در واقع می‌گذرد مطابق است. به عبارت دیگر، آن جمله وضعیتی را از جهان کنونی ترسیم می‌کند که در صورت مطابق بودن آن وضعیت با آنچه در واقع می‌گذرد می‌توان جمله را صادق دانست.

۲-۱ معرفی نظریه مطابقت و اشکالات وارد بر آن

یکی از جواب های عالمانه که می‌کوشد مساله صدق را به تفصیل شرح دهد، نظریه سنتی در مورد صدق است که به عنوان «نظریه مطابقت» شناخته شده است که (برایان کار، ۱۳۷۸، ص ۵) یکی از مشهورترین نظریات در باب صدق و کذب قضایا است.

تئوری مطابقت پیشینه‌ی تاریخی بلندی دارد. این نظریه در طول قرون متمادی، یگانه تئوری موجود در باب تبیین صدق و تقریباً مورد پذیرش اکثر فیلسوفان بوده است.

در یونان باستان افلاطون در رساله سوفیست، صدق را به مطابقت تعریف می‌کند: «یک گزاره صادق، اشیا یا واقعیت‌ها را آن‌گونه که هستند به تو گزارش می‌دهد. در حالی که یک گزاره‌ی کاذب، اشیا را خلاف چیزی که در واقع هستند به تو گزارش می‌دهد.» (لطفی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۴۵)

با وجود این، بیشتر نویسندگان ریشه نظریه مطابقت را به تعریف ارسطو از صدق برمی‌گردانند؛ (Kunne, 2003, p95&96) یعنی همان جمله مشهور از کتاب متافیزیک ارسطو که می‌گوید: «نخست باید معلوم کنیم که صدق چیست و کذب کدام است. اگر درباره آنچه وجود دارد بگوییم که وجود ندارد، یا در مورد آنچه نیست بگوییم که هست؛ این گفته دروغ است. درحالی‌که اگر راجع به آنچه که هست بگوییم هست و راجع به آنچه که نیست بگوییم که نیست، این گفته صحیح است. بنابراین، هرکس که درباره‌ی چیزی بگوید که هست یا نیست، سخنش یا صادق است یا کاذب...» (Aristotle–Works, n.d ,p2288)

در دوران جدید فیلسوفانی مثل دکارت^۱، لاک^۲، راسل^۳ و ویتگنشتاین^۴، آستین^۵ قائل به این تئوری بودند.

در میان اندیشمندان مسلمان نیز تنها تئوری مورد قبول در باب ملاک ثبوتی صدق و حتی در بحث از ملاک اثباتی آن همین تئوری مطابقت است. هم‌چنین تمام فیلسوفان و معرفت‌شناسان مسلمان، یگانه تئوری صائب را در این زمینه همین تئوری دانسته‌اند. از جمله فیلسوفانی مثل خواجه نصیرالدین طوسی^۶، ملاصدرا^۷، علامه طباطبایی^۸ و شهید مطهری^۹ صراحتاً در آثار خود تنها نظریه مقبول را مطابقت می‌دانستند.

بالواقع، مطابقت بین دو چیز گفته می‌شود. بنابراین نظریه، راستی و صدق همان سازگاری اندیشه با واقعیت است. در بدو امر، در این نظریه عقیده‌ای صادق تصور شده است که با امری واقع، سازگار درآید و یا به عبارت دیگر هر باوری هنگامی صادق است که تصورات و مفاهیم مندرج در آن با حقایق عینی سازگار و مطابق باشد. یعنی هرگاه گزاره‌ای با واقع مطابق بود واقع هم با خبر مطابق می‌باشد.

بنابر این نظریه، عقیده و باور، زمانی راست و صحیح است که با امر واقع سازگار درآید و با واقعیت‌ها و اعیان خارجی مطابق باشد. حقیقت و صدق به معنای مطابقت فکر و اندیشه با واقع،

^۱ - تاملات در فلسفه اولی. دکارت. ص ۳۸ تا ۴۰

^۲ - An Essay Concerning Human Understanding. نوشته: جان لاک. ص ۲۴۵ تا ۲۵۰

^۳ - آشنایی با معرفت‌شناسی. منصور شمسی. ص ۱۱۹ و ۱۲۰

^۴ - فلسفه منطق. سوزان هاک. ص ۱۴۷ و ۱۴۸

^۵ - فلسفه منطق. سوزان هاک. ص ۱۴۹

^۶ - اساس الاقتباس. خواجه نصیرالدین طوسی. ص ۳۱۹

^۷ - اللمعات الشرقيه. ملاصدرا. ص ۳

^۸ - بدایه الحکمه. علامه طباطبایی. ص ۲۱ و ۲۲

^۹ - اصول فلسفه و روش رئالیسم. مرتضی مطهری. ص ۱۵۶